

رونق تولید

# تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل ها و مواضع رسانه ها و جریانها

BASIRAT.IR

## آموزش تحلیل سیاسی / مذاکره با آمریکا قطعا منتفی است (۶)

«یکی از جهت گیری های لازم در دولت دوازدهم تعامل گسترده ی با دنیا است؛ این توصیه ی همیشگی ما است که این درست نقطه ی مقابل آن چیزی است که دشمنان ما و سلطه گران عالم دنبالش هستند. ما می توانیم با دنیا ارتباطات وسیع و گسترده ای داشته باشیم، هم به ملت ها و دولت های دیگر کمک کنیم، هم از کمک آنها بهره مند بشویم؛ حیات اجتماعی بشریت این جور پیش می رود: همکاری، همدلی، همراهی، تعامل با دنیا؛ اقلیم ما، جغرافیای ما، امکانات فراوان ما، این را برای ما آسان می کند.» ۹۶/۵/۱۲

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۱۹ / دوشنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۹۸

## حکایت تکراری

**کیهان:** زمانی زنی، توسط شوهرش که شهردار سابق تهران و تحصیل کرده ماساچوست بوده و کارنامه اش پر است از مقام و منصب و مدیریت، از مشاور اقتصادی رئیس جمهور و... تا وزیر علوم، وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان برنامه و بودجه، عضو شورای شهر تهران، رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و... در دولت های جنگ، سازندگی و اصلاحات و اعتدال؛ به ضرب گلوله کشته می شود و توسط عده ای به بدترین تهمت ها متهم می شود ولی هیچ کس از نمایندگان مجلس، دولتی ها، سیاسیون هم حزبی های ضارب و...، مدال گرفتگان نوبل، سلبریتی های همسو با باد، شبکه های ماهواره ای سمپات، خاله قزی های سیاسی و... کلمه ای در دفاع از مقتول نمی گویند و حتی خودشان آن بینوا را پرستو صدا می کنند و... و به هر حال، با پادرمیانی یا هرچه، قاتل از قصاص می رهد و همین خیل هماهنگ، باز هم از هیچ حقی دم نمی زنند و توهین های خود به مقتول را پس نمی گیرند و...

و حالا کافی است در کشور ۸۵ میلیونی، خطایی از یک فرد مذهبی سر بزند یا کسی امر به معروف کند و بادی از دماغی کم شود یا قوه قضا خرخره مفسدی را بفشارد و نیروی انتظامی به تکلیف قانونی خود عمل کند یا دختر بی حجابی دل پیچه کند یا بینوایی، قرص نخورده به خیابان بیاید و کاری بکند و... آنگاه همین کذاها به صورت خودجوش ولی سازمان یافته! هر کدام زحمت مدیریت گوشه ای از پروژه علیه مردم و انقلاب را بر عهده می گیرند. یکی آرتروزش را پای چادر می نویسد. آن بی حجاب، شپش خود را از چارقد می داند. یکی ارث نداشته خود را از سفره انقلاب می قاپد. یکی به دهه شصتی ها توهین می کند. یکی برای زاییدنش در خارج، تنگ بودن فضای سیاسی و فرهنگی داخل را بهانه می کند. یکی فراری از مالیات و سربازی و کنکور ملی را فرار نخبگانی می نامد و... و یکی هم که اصلاً از موضوع خبر ندارد فقط هوار می کشد.

## آن سوی ماجرای حمله به آرامکو

**خراسان:** آرامکو یکی از بزرگ ترین شرکت های نفتی جهان است به طوری که بر پایه نظر کارشناسان حوزه نفتی، جهان امروز بدون نفت آرامکو بی معناست و بازارهای انرژی جهان یکی از مشتری های اصلی این شرکت هستند. شرکتی که سلطنتی است و تحت مدیریت خاندان سعودی اداره می شود و در واقع وظیفه عابربانک این خانواده سلطنتی را بازی می کند. بارها مواضع سیاسی و اقتصادی این شرکت به جنجال خبری تبدیل شد اما پیش از حمله پهبادی انصار... آرامکو

هیچ گاه به عنوان یک تحلیل نظامی و امنیتی مورد توجه مطبوعات قرار نمی گرفت. با حمله پهبادی انصار... به آرامکو نگاه ها به این شرکت بازگشته و تحلیل های گوناگونی منتشر شده است. با این حال نگاه مجدد به این حادثه از جهت دیگر اهمیت ویژه ای دارد.

۱. انصار... به وعده عمل کرد. این گروه نشان داد نه تنها از حیات سیاسی یمن قابل حذف نیستند بلکه روز به روز با استفاده از توان داخلی به قدرتی دست یافته که می توان از آن به عنوان توان بازدارنده داخلی یاد کرد. حمله به آرامکو از چند منظر اهمیت راهبردی دارد. از یک سو انصار... به وعده پاسخ متقابل و همتراز عمل کرد و از سوی دیگر نشان داد دستش برای اهداف سراسری و پر هزینه علیه ریاض باز است. بر خلاف انتظار روز اول عربستان این حمله با توان داخلی یمنی ها انجام شد و مقاومت در یمن به سطحی از توانایی دست یافت که توانست نیمی از بازار نفت صادراتی سعودی ها را از کار بیندازد.

۲. این حمله یک دستاورد اطلاعاتی و امنیتی ویژه در تاریخ یک صد سال اخیر یمن است. یمنی ها در پرونده اخیر با استفاده از عناصر نفوذی در خاک عربستان، این عملیات را اجرا کردند که برای سعودی ها سنگین تمام شد. آن ها با استفاده از قدرت اطلاعاتی ضمن از کار انداختن سیستم پدافندی این شرکت، پهبادهای خود را از خاک عربستان علیه آرامکو به پرواز در آوردند و اهداف مد نظر را در شرکت آرامکو نابود ساختند. به کارگیری انصار... از بیش از یک میلیون یمنی در خاک عربستان در کنار هزاران معترض خاندان سعودی و ارتشی های آزاد شده این کشور در شبه جزیره، دستاوردی است که سعودی ها باور نمی کنند و احساس می کنند استفاده از چنین توانی در اندازه انصار... نیست در حالی که انصار... نشان داد بهترین بازیگر برای به کارگیری بازیگران دیگر در شبه جزیره است.

۳. یمنی ها در حمله اخیر توانستند معادلات آمریکا را در منطقه به هم بریزند. آمریکایی ها روی نفت و میزان صادرات آرامکو حساب باز کرده بودند و تصور می کردند می توانند با استفاده از سطح تولید آرامکو بر تهران و محور مقاومت فشار بیاورند. پیشتر مقامات مقاومت اعلام کردند در صورت بروز هر جنگی علیه تهران در کنار آن ها می مانند و از حمایت تهران دست بر نخواهند داشت. با این حال آمریکایی ها پس از حمله آرامکو جنجال جدیدی راه انداختند و کشورهایی چون عراق و ایران را در این حمله متهم کردند. عملیات صورت گرفته بر پایه اطلاعات خود آمریکایی ها بر توان یمنی استوار بوده و امکان دخالت ایران در این عملیات به دلیل اشراف و رصد ۲۴ ساعته ماهواره ای و پایش مرزی یمن وجود ندارد.

### حراج واقعی اینجاست!

**رسالت:** آیا دولتمردان هنوز به این نتیجه نرسیده اند که دقیقاً در همان دوره هایی که به آمریکا لبخند می زنیم، بیشتر خنجر می خوریم؟ یادتان رفته که در همان دورانی که رئیس جمهور کشورمان در سازمان ملل از گفت و گوی تمدن ها می گفت و به غرب متمایل بود، رئیس جمهور آمریکا، ایران را محور شرارت می نامید؟ کدام یک از وزرای خارجه اخیر، توسط دولت آمریکا تحریم شده است، غیر از جناب ظریف که بیشترین تعامل را با مسئولان آمریکایی داشته است.

تجربه البته کم نیست، در خانه اگر کس است، یک حرف بس است. اقدامات خصمانه این روزهای دولت کانادا را از نظر بگذرانید. انگار برگ های دفتر تاریخ و دوران دولت هفتم و هشتم است که خط به خط، تکرار می شود. در دولت اصلاحات، سال های ابتدایی، روابط تهران و اتاوا، نزدیک و نسبتاً گرم بود، نه حاشیه و چالش چندانی وجود داشت و نه

مسئولان وقت دو کشور، موضع‌گیری خاصی علیه هم می‌کردند، تا این‌که تغییراتی در هیئت حاکمه آمریکا اتفاق افتاد. بوش پسر، به‌عکس بیل کلینتون، جنگ‌طلب و ناآرام بود و در مواضع رسمی، دنیا را به دودسته تقسیم می‌کرد، یا با ما یا بر ما و کانادا هم که همواره، سیاست‌هایش را به‌وقت واشنگتن تنظیم می‌کرد، روزه‌روز از ایران دور شد. دقیقاً دو سال مانده به پایان دولت رئیس‌جمهور اصلاحات، دولت کانادا به بهانه‌ای واهی، علیه ایران مواضع خصمانه‌ای اتخاذ کرد و ارتباط دو کشور به تیرگی گرایید. دادگاهی در کانادا علیه کشورمان حکم صادر کرد و سفیر کانادا، تهران را ترک کرد. داستان برایتان آشنا نیست؟ کافی است به‌جای دولت کلینتون و بوش، در همین ماجرا، اوباما و ترامپ را جانشین کنیم. امروز هم مانند سال ۸۲ که دو سال به پایان دولت اصلاحات مانده بود، ۲ سال به پایان دولت به‌اصطلاح اعتدال مانده است. باقی داستان همان است، ارتباطات خوب ابتدای کار، چالش‌های سال‌های پایانی، رأی دادگاه کانادایی و حالا حتماً شنیده‌اید که این بار کانادا، اموال دولت ایران را به حراج گذاشته است!

البته آنچه بااهمیت‌تر است و متأسفانه به حراج گذاشته‌شده، تجربه تاریخی و ملی ایران اسلامی است، خدا کند که دیگر کسانی در این کشور بر سرکار نیایند که یا کم‌حافظه یا بیش‌ازحد ساده باشند. به مسئولان دولت فعلی کشورمان هم باید گفت که در دو سال مانده به پایان مسئولیت‌تان، اگر انتقادات مشفقانه دلسوزان را هم نادیده می‌گیرید، حداقل تجربیات خودتان و همفکرانتان را هرروز، پیش چشم نگاه‌دارید.

### تا نو قانونگرایی!؟

**سیاست روز:** قانونگذاران نیز اعلام نموده اند که سال هاست که کشور به بیماری تورم قانون و قانونگذاری مبتلاست. تشدید همزمان مشکلات زندگی مردم و تورم قانون نشانه بارز ناکارآمدی قوانین است. امکان تداوم وضع موجود این دو گانه آسیب زا وجود ندارد و باید با هر دو با یک تحلیل هماهنگ مبارزه کرد. همزمان با سال ۱۳۹۸ که صد و سیزده سال از آغاز قانونگذاری در ایران می‌گذرد پایانی بر این آغاز خواهد بود. گذار از قانونگذاری سنتی به «نظام قانونگرایی نوین» در واقع نوعی نوآوری در خردورزی قانونگرایی است که می‌توان با استفاده از آن افق درخشان حل مشکلات زندگی مردم را پیش چشم همگان مجسم نمود. نظام قانونگرایی با عبور از افراد، جناح‌ها، روش‌ها و محتوای سنتی، می‌کوشد که با تمام توان علمی و عملی به حل مشکلات زندگی مردم بپردازد. در نظام قانونگرایی نوین، از تورم قانون و قانونگذاری خبری نیست و قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی به حداقل ممکن می‌رسد. گفتمان قانون، بصورت غالب در جامعه حضور دارد و پیروی از قانون به عنوان هنجار و ارزش اجتماعی مورد احترام همگان است.

ظرفیت‌های جامعه‌پذیری قوانین افزایش می‌یابد. پساقانونگذاری، مسیر تحولی تقسیم کار ملی در حوزه قانونگرایی است. از ویژگی‌های بارز نظام قانونگرایی نوین، نتیجه‌گرایی آن در حل مشکلات زندگی مردم است و دوران کارآمدی قوانین در اداره امور کشور است. در نظام قانونگرایی نوین، تقسیم کار ملی بر اساس قانون اساسی، نسبت به مجموعه عملکرد خود پاسخگوست و مسئولیت مدنی اقدامات خود را می‌پذیرد. در نظام قانونگرایی نوین، برای قانونگذاری از داده‌های درست استفاده می‌شود و چیزی به عنوان تغییرات مکرر قوانین به روش فعلی وجود ندارد و از خیل عظیم اصلاح، الحاق، ابطال، الغاء، حذف، متمم، نسخ نوعی یا ضمنی قوانین خبری نیست.

در باب اپوزیسیون‌نمایی مسئولان!...

**الف:** دلیل اینکه مسئولان در عین داشتن قدرت، خود اپوزیسیون می شوند چیست و چرا یک مسئول به طور عجیبی هم در جایگاه پوزیسیون و هم اپوزیسیون قرار می گیرد؟

وقتی جریان و گروه سیاسی پیروز نمی تواند وعده ها و قول هایی که به مردم در زمان تبلیغات انتخاباتی داده محقق کند احتمالاً یکی از راه هایی که ممکن است برگزیند اپوزیسیون نمایی است. این وضعیت به خصوص در کشورهایی مثل ما وجود دارد چرا که تشکیلات و ساختار حزبی موثری وجود ندارد و بنابراین سیاست قائم به شخص است و این امکان ایجاد می شود که آن مقام و مسئول هر روز به رنگ و چهره ای در آید. این مقامات و مسئولان بعد از وقوع یک اتفاق یا آشکار شدن شکست یک سیاست، سریعاً نوک پیکان حمله خود را متوجه بخش های دیگر نظام سیاسی می کنند.

دلیل دیگری که مقامات و مسئولان گاه خود به اپوزیسیون نظام سیاسی تبدیل می شوند فقدان عقلانیت و غلبه عواطف و احساسات است. در واقع برخی سیاستمداران و مقامات در ایران بدلیل نداشتن تجربه سیاسی بیشتر از آن که بر مدار عقلانیت و منطق سیاست ورزی کنند درگیر و دچار احساس می شوند. با گسترده شدن فضای مجازی و استفاده از شبکه های اجتماعی، غلبه رفتار هیجانی و احساسی در مقامات و مسئولانی که در این شبکه ها حضور دارند بسیار بیشتر دیده می شود.

در ماجرای دختر آبی حتی برخی سیاسیون پا را فراتر گذاشتند و در موضع گیری عجیب خواستار حضور خیابانی مردم مانند اعتراضات تونس به خودسوزی یک دستفروش و شورش علیه ساختار شدند! مشخص نیست این مسئولان در طول سال هایی که در قدرت بودند به جز اتخاذ مواضع پوپولیستی چه اقداماتی جهت کمک به زنان انجام داده اند. مهم تر این که چگونه وقتی خودشان در این سیستم مسوولیت داشته و دارند بر علیه آن عمل می کنند؟! اگر چنین مقامات و مسئولانی واقعاً قائل به شورش و انقلاب هستند بالطبع باید از مناصب خود کناره گیری کنند نه اینکه همزمان هم در یک سیستم سیاسی صاحب مقام و منصب باشند هم اینکه دنبال سرنگونی و به آشوب کشاندن آن باشند. به عبارتی دیگر لازمه کسب مقام سیاسی این است که آن مقام یا مسئول بداند اگر عیب و نقصی وجود دارد باید از روش های مسالمت آمیز و قانونی آن ایراد برطرف شود نه آن که خود پیشقدم برای ایجاد ناآرامی و آشوب شود. در نهایت باید گفت موضع گیری برخی مقامات سیاسی که به مثابه اپوزیسیون رفتار می کنند شاید در کوتاه مدت بتواند اندک اعتباری برای آنها به همراه داشته باشد اما بدون شک در بلندمدت جواب نخواهد داد.

